

## عنوان مقاله:

همپرسگی های جهانی شدن با محلی شدن

## محل انتشار:

فصلنامه راهبرد، دوره 13، شماره 2 (سال: 1384)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسنده:

میرقاسم بنی هاشمی

## خلاصه مقاله:

موضوع این نوشتار به تناقض آشکار بین دو فرآیند اجتماعی برمی گردد که هر دو در گستره ای جهانی در حال وقوع هستند: جهانی شدن و محلی شدن (یا محلی گرایی). جهانی شدن حاکی از ظهور یک اقتصاد جهانی، یک حکومت جهانی و شاید یک فرهنگ جهانی و خلاصه ظهور یک جامعه ی جهانی در گسترده ترین مفهوم این اصطلاح است. محلی گرایی نیز بر خیزش یا احیای هویت های فرهنگی-محلی، گاهی در درون و گاهی در ماورای مرزهای یک دولت دلالت دارد. در حالی که جهانی شدن بر افق های گسترده ی شبکه های اجتماعی-فرهنگی عالم گیر و احاطه و فراگیری جهانی آنها اشاره دارد، محلی گرایی بر ویژگی های خاص فرهنگی-اجتماعی در فضای محدود تاکید می کند. جهانی شدن و محلی گرایی وضعیت های ایستایی نیستند: هر دو فرآیندهای، گرچه ناتمام، اما در یک جهت گیری معین به شمار می آیند. به مثابه ی فرآیندها، آنها نقاطی مخالف جهت هم به نظر می رسند و از این رو در نگاه اول متضاد و متناقض ظاهر می شوند. این تناقض به طور محسوسی در دو قلمرو سیاست و زبان وجود دارد. در قلمرو سیاست، دولت ملی به سرعت در حال از دست دادن حاکمیت مورد تکریم خود به نفع رژیم های فراملی، قاره ای و حتی جهانی می باشد، درحالی که در همان زمان برخی اقلیت های فروملی برای خودمختاری بیشتر و استقلال سیاسی اصرار می ورزند؛ برای مثال، در یک حوزه، تعدادی از کشورها برای ایجاد جامعه ی اروپایی متحد می شوند و تاکنون ۱۶ دولت عضو رسمی این اتحادیه می باشند که ۴۰ درصد از کل دولت های اروپایی را شامل می شوند. جدایی طلبی سیاسی امروزه حتی در دولت های نمونه و الگو مانند بریتانیا و فرانسه دیده می شود. در بریتانیا، حزب ملی اسکاتلند سال های طولانی به دنبال استقلال بوده است و در فرانسه، جنبش کرتی ها در چند دهه برای دستیابی به استقلال از روش های خشونت آمیز استفاده کرده است. ; در قلمرو زبان، می توان اهمیت رو به رشد و کاربرد فزاینده ی زبان انگلیسی را به عنوان یک زبان فراگیر انسانی شاهد بود و در عین حال زبان ها و گویش هایی (حتی بعضا زبان های مرده) در حال احیاء هستند و گویندگان آنها به همان زبان ها شناخته می شوند. در بریتانیا جایی که زبان انگلیسی از قرن ۱۹ زبان مسلط گردید، زبان سلتیک که اعتقاد بر حذف و مردن آن بود در حال احیاء می باشد. حتی در فرانسه، جایی که حکومت برای نسل های مختلف، شیوه های سختگیرانه ای را برای ایجاد هژمونی زبان فرانسه در پاریس و کل کشور به کار گرفت. هنوز اشتیاق به زبان های منطقه ای وجود دارد. امروزه عقیده عمومی اندیشمندان این است که تناقض بین دو فرآیند مورد بحث ما واقعا پدیدار شده است. گینه در مقاله ای از مکمل بودن جهانی شدن و قوام گرایی سخن می گوید. روزنا برای تبیین ارتباط لاینفک بین دو فرآیند جهانی شدن و محلی گرایی واژه ی واهمگرایی را مطرح کرده است، که واژه ای ترکیبی از چند پارگی و یک پارچگی می باشد. رابرتسون نیز اصطلاح جهانی-محلی گرایی را به کار می برد که شکل فشرده ای از جهانی شدن و محلی گرایی است;

## کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1350451>

